

نوسلفی‌گری و امنیت انسانی کشورهای اسلامی در عصر بیداری اسلامی

استاد یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

استاد یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

عبدالمجید سیفی* ID

محمود علیپور گرجی ID

چکیده

موج بیداری اسلامی که از ابتدای دهه ۲۰۱۰ بخش گسترده‌ای از جهان اسلام را دربرگرفت، سبب شد تا الگوهای جدید حکمرانی در کشورهای اسلامی توسط جریان‌های مختلف ارائه شود. متصلب‌ترین الگوی حکمرانی توسط جریان نوسلفی ارائه شده که پیامد رشد این دیدگاه بسط خشونت‌گرایی در کشورهای اسلامی بوده است. این خشونت‌گرایی آثار متفاوتی بر ابعاد مختلف امنیت در کشورهای اسلامی در عصر بیداری اسلامی داشته است که می‌توان آن را در قالب مفهوم امنیت انسانی مورد بررسی قرار داد. در این چارچوب، پرسش اصلی این پژوهش مطرح می‌شود که گسترش نوسلفی‌گری در دوران بیداری اسلامی چه تاثیری بر امنیت انسانی در کشورهای اسلامی داشته است؟ (مسئله) پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با گسترش فعالیت جریان‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی پس از خیزش‌های بیداری اسلامی وجوه مختلف امنیت انسانی در این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، سلامت، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت زیست‌محیطی تضعیف شده است. از این رو رشد نوسلفی‌گری را می‌توان عنصر مهمی در تقابل با بیداری اسلامی و در قالب «پادبیداری اسلامی» مفهوم بندی کرد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، نوسلفی‌گری، امنیت انسانی، جهان اسلام، خشونت

دریافت: ۲۰-۱۰-۱۴۰۲

* نویسنده مسئول seifi2002@gmail.com

پذیرش: ۰۹-۰۷-۱۴۰۲

صفحات مقاله: ۴۶-۲۹

مقدمه

با آغاز خیزش‌های مردمی در غرب آسیا و شمال آفریقا از ابتدای دهه ۲۰۱۰، کشورهای اسلامی وارد عصر جدیدی از دوران حیات خود شدند. این خیزش‌های احیاگرانه که از آن می‌توان به‌عنوان بازخیز مجدد جریان بیداری اسلامی یاد نمود، در سطوح مختلف جوامع اسلامی تأثیرات شگرفی به جا گذاشته است. بخشی از آثار بیداری اسلامی ماهیت سیاسی داشته و عمدتاً شامل تغییرات در الگوهای حکمرانی در کشورهای اسلامی و بازتنظیم روابط حکمرانان با مردم بوده است. از این منظر، الگوهای مختلف حکمرانی از سوی الگوهای فکری مختلف مطرح شده و با توجه به اکراه بخش قابل توجهی از جمعیت از حکمرانان در این کشورها، این ساخت‌های فکری تلاش داشته‌اند تا بدیل‌هایی برای گونه ساخت‌های سیاسی اقتدارگرای حاکم در کشورهای اسلامی ارائه شود.

یکی از جریان‌هایی که تلاش داشته در فضای شکل گرفته در عصر بیداری اسلامی الگویی برای حکمرانی ارائه دهد و در برخی از مناطق این الگو را با ترور و سرکوب در قالب ایجاد حکومت به حالت بالفعل درآورد، رویکرد نوسلفی است. گرچه، جریان‌های سلفی طی چند سده گذشته، دیدگاه‌های خود در حوزه ایجاد حکومت و قواعد حاکم بر آن را مفصل‌بندی نموده‌اند؛ با این وجود، نحله‌های جدید آن رویکرد بسیار رادیکال‌تری در این حوزه ارائه نموده‌اند. آن‌ها با تنگ کردن دایره توحید، گسترش دایره کفر، کنار زدن عقل‌گرایی و... الگویی برای حکمرانی در عصر بیداری اسلامی مطرح نمودند که با خروج فرقه‌ها و مذاهب مختلف از دایره اسلام، خشونت‌گرایی در این جوامع را تشدید کرد.

این بسط خشونت‌گرایی در جوامع دستخوش دگرگونی در جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی سبب شد تا وجوه مختلف امنیت که در قالب مفهوم امنیت انسانی قرار می‌گیرند در این جوامع تحت تأثیر قرار گیرند. از این معبر پرسش اصلی پژوهش مطرح می‌شود که گسترش نوسلفی‌گری در دوران بیداری اسلامی چه تأثیری بر امنیت انسانی در کشورهای اسلامی داشته است؟ فرضیه‌ای که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد این است که با گسترش فعالیت جریان‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی پس از خیزش‌های بیداری اسلامی وجوه مختلف امنیت انسانی در این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، سلامت، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت زیست‌محیطی تضعیف شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

۱. چارچوب مفهومی: امنیت انسانی

اصطلاح امنیت انسانی اولین بار در سال ۱۹۹۴ از سوی محبوب الحق، دیپلمات پاکستانی در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد با تأکید بر رهایی از نیاز و ترس به عنوان راه حل رفع ناامنی در جهان مطرح شد؛ و پس از آن در سیاست خارجی برخی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، در سال ۱۹۹۹ وزیران خارجه کشورهای گروه هشت اعلام کردند، مصمم هستند با علل اساسی تهدیدهای چند جانبه نسبت به امنیت انسانی به مبارزه برخیزند (Gaspar, 2005: 225). در این راستا ایده امنیت انسانی از یک سو برای رفع مشکلات و تنگناهای مربوط به محور بودن دولت در مفهوم امنیت مطرح گردید، چرا که دولت گرچه سنگ بنای امنیت انسانی است اما یکی از بزرگ‌ترین منابع ناامنی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر امنیت انسانی یکی از مهمترین مبانی امنیت حقوقی، امنیت قضایی و تضمین حریم خصوصی نیز به شمار می‌رود. این درحالی است که در بیشتر قوانین اساسی کشورها به این مفهوم اشاره نشده است. بنابراین، تبیین مفهوم «امنیت انسانی» و شاخص‌های آن می‌تواند گام مؤثری در راستای تقویت حمایت از حقوق شهروندی به شمار رود.

در ابتدا تفسیری که از «امنیت انسانی» وجود داشت، تفسیری مضیق بود. دیدگاه مضیق به امنیت انسانی بر تهدیدهای ناشی از خشونت به ویژه خشونت سیاسی سازمان یافته تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه تهدید سیاسی مردم از سوی دولت یا هر بازیگر سازمان یافته سیاسی دیگر، کانون مناسبی برای مفهوم امنیت انسانی است. این دیدگاه امنیت انسانی را این گونه تعریف می‌کند: «حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت.» این تعریف از امنیت انسانی به صورت «آزادی از ترس» تهدید یا به کارگیری خشونت سیاسی، ساده و خلاصه شده است. دیدگاه مضیق به امنیت انسانی در «شبکه امنیت انسانی» در سازمان ملل و گزارش‌های امنیت انسانی سالانه قابل مشاهده است (Peoples and Williams, 2009: 129).

با این وجود تفسیر موسع از مفهوم امنیت انسانی در سالیان اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. تفسیر موسع از امنیت انسانی بر همه اشکال آسیب‌پذیری‌های انسانی توجه و تأکید دارد. از این‌رو هر گونه تهدید از هر منبعی را در برمی‌گیرد؛ بر خلاف دیدگاه مضیق که خشونت سازمان یافته سیاسی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه امنیت انسانی تنها «آزادی از ترس

و هراس» نیست بلکه همچنین بر سایر اشکال خشونت و سایر تهدیدات از جمله بلایای طبیعی، بیماری‌ها، تخریب محیط زیست، گرسنگی، بیکاری و نابسامانی و رکود اقتصادی توجه می‌کند. این دیدگاه توسط برخی از اسناد سازمان ملل از جمله اسناد سازمان ملل درباره امنیت انسانی بعد از ۱۹۹۴، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل، شورای اروپا و گروه بارسلون و کمیسیون امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که برخی با دیدگاهی تقلیل گرایانه بر تهدیدهایی چون بیماری‌ها و بلایای طبیعی تأکید دارند اما برخی با رهیافت و دیدگاهی موسع همه تهدیدها و آسیب‌های متوجه کرامت انسانی از جمله تهدیدهایی چون گرسنگی، بیماری‌ها، بلایای طبیعی، نابسامانی اقتصادی و سرکوب سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند (Chattu, 2019: 280).

بنابر دیدگاه موسع چارچوب امنیت انسانی نوع متشکری از امنیت است که شامل مؤلفه‌های پنجگانه زیر می‌گردد.

۱-۱. امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی به رضایت فرد از درآمد ثابت خواه به واسطه اشتغال یا از طریق شبکه‌های ایمنی اجتماعی مربوط می‌شود. امنیت اقتصادی میزان بهبود زندگی مردم از طریق کالا و خدمات را نشان می‌دهد و سطح دسترسی مردم به این کالاها و خدمات یک مؤلفه مهم در تأمین امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی توانایی فرد و خانواده وی در تأمین نیازهای اصلی است. از این منظر، امنیت اقتصادی به شکل قابل توجهی با مفهوم اشتغال ارتباط نزدیک دارد. با اشتغال فرد ولی دارای میزان حداقلی از درآمد است این مسئله می‌تواند تا حدی سبب رهایی فرد از هراس در حوزه اقتصادی شود. بخشی از امنیت اقتصادی نیز مبتنی بر این است که در صورت عدم وجود شغل، فرد از طریق یک منبع عمومی نظیر بیمه یا دولت تأمین مالی شود (Vivekananda, 2019: 45-49).

۲-۱. امنیت غذایی: امنیت غذایی به دسترسی افراد به خوراک کافی و سالم به طور مستقیم یا به واسطه منابع، اشتغال یا درآمد می‌رسد. این امنیت مرتبط با در دسترس بودن غذا در سطوح ملی و بین‌المللی است. از این منظر، امنیت غذایی زمانی حاصل می‌شود که عرضه منابع کافی غذایی در هر زمانی وجود داشته باشد و بتوان هر نوع نوسان در میزان و قیمت مواد غذایی را کنترل کرد تا بتوان دسترسی به غذا به شکل پایدار را فراهم ساخت. در برخی اسناد این دسترسی به غذا در ادبیات امنیت انسانی با عنوان «حق بر غذا» مورد تأکید قرار گرفته است (Bailey, 2020: 44).

۳-۱. **امنیت سلامتی:** این امنیت به آزادی افراد از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنان به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد. این امنیت، به آزادی انسان‌ها از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنها به مراقبت‌های بهداشتی اشاره دارد. دسترسی به آب و غذای سالم، اطلاع از اصول بهداشتی، محیط کاری مناسب، مسکن مناسب، سیستم فاضلاب مناسب و برابری جنسیتی مواردی است که در قالب امنیت سلامت قرار می‌گیرد.

۴-۱. **امنیت زیست‌محیطی:** این امنیت به یکپارچگی زمین، هوا و آب و تداوم حیات انسانی در کره زمین تاکید دارد. از این منظر، آسیب به محیط‌زیست بر کلیه ابعاد زیستی و سلامت انسان تأثیر منفی دارد تهدید وجودی را متوجه انسان‌ها می‌نماید. امنیت زیست‌محیطی، به تلاش‌ها در تمام سطوح برای حفظ جنبه‌های زیست‌محیطی که بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد اشاره دارد. امنیت زیست‌محیطی در پی تقویت این انگاره است که سلامت بشر با رخدادهای زیست‌محیطی به شدت همپیوندی داشته و آسیب زیست‌محیطی بر زندگی بشری تأثیر منفی جدی دارد (Hayes et. al, 2018: 22).

۵-۱. **امنیت سیاسی:** امنیت سیاسی به مقابله با خشونت علیه حقوق انسانی مربوط می‌شود. امنیت انسانی عمدتاً به نقش حکومت در حفاظت از شهروندان خود در مقابل تهدیدات خارجی اشاره دارد. همچنین بخشی از امنیت سیاسی به ایجاد شرایط لازم برای مشارکت آزادانه در تعیین سرنوشت خود نیز اشاره دارد که افراد باید فارغ از باورهای سیاسی و مذهبی خود بتوانند در این فرآیند مشارکت نمایند (Bailey, 2020: 44).

با توجه به دیدگاه موسع و مؤلفه‌های پنجگانه امنیت انسانی، پژوهش حاضر به دنبال آن است که جایگاه نوسلفی‌ها در جهان اسلام را در عصر بیداری اسلامی مورد مذاقه قرار دهد.

۲. نوسلفی‌ها در عصر بیداری اسلامی

جهان اسلام در طول ۱۴ قرن که از حیات آن می‌گذرد، با چالش‌های درونی و بیرونی فراوانی روبرو شده است. این چالش‌ها باعث شده موضوع احیای اسلام همواره جایگاه مهمی در اندیشه متفکران اسلام داشته باشد. با تشدید و تعمیق تهاجم استعمار به گستره تمدنی جهان اسلام در قرن نوزدهم، بیداری اسلامی وارد مرحله نوینی شد که با گذشته تفاوت بنیادین داشته است. یکی از چالش‌های درونی جهان اسلام که با موضوع بیداری اسلامی پیوند خورده است، «سلفی‌گری» است (مرادپور، ۱۳۹۹: ۸۷-۹۱). اگرچه سلفی‌گری ریشه‌ای طولانی در تاریخ اسلام

دارد اما با پیوند این جریان با عوامل خارجی در قرن نوزدهم، جغرافیای فکری و سیاسی نظام‌های اسلامی به شدت قبض و بسط شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دوگانه بیداری اسلامی و سلفی‌گری وارد عصر جدیدی شد و در قالب «جنبش‌های اسلامی» به مؤلفه‌ای تأثیرگذار در تحولات جهان اسلام و به تبع عرصه بین‌المللی تبدیل شده است.

جنبش‌های اسلامی در قالب جریان‌ها و نحله‌های متفاوتی تجلی یافته است که یکی از گونه‌های آن سلفی‌گری است. البته سلفی‌گری نیز از نظری فکری و گستره فعالیت جریان بسیار متنوعی را شامل می‌شود. حوزه کنش سیاسی جریان سلفی که شکل نوین در قالب رویکردهای نوسلفی رشد یافته پس از وقوع موج سوم بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ محدود به یک منطقه خاص جغرافیایی نبوده و قلمرو فعالیت این جریان دیگر به کشورهای اسلامی محدود نیست. رشد نوسلفی‌گری در این دوره تنها در خاورمیانه و شمال آفریقا محدود نشد و مناطق مختلف را در بر گرفت (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۱).

جریان نوسلفی‌گری، تأثیرات بسیار زیادی در حوزه اندیشه و کنش سیاسی در جهان اسلام داشته است؛ اگرچه امروزه تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی است اما برای جامعه اسلامی تهدیدی بیشتر و درون مذهبی محسوب می‌شود و جنبش اصیل بیداری اسلامی را با چالش‌های فکری و اندیشه‌ای مواجه می‌کند که تأثیرات و پیامدهای آن در آینده جهان اسلام بسیار زیاد خواهد بود. از این رو رشد نوسلفی‌گری را می‌توان عنصر مهمی در تقابل با بیداری اسلامی تلقی نمود و می‌توان آن را در قالب «پادبیداری اسلامی» مفهوم بندی کرد (Bayat, 2013: 245). این پادبیداری اسلامی که در قالب خیزش نوسلفی‌گری عیان گردید آثار مهمی بر روی جنبش بیداری اسلامی داشته است. این جریان به نوعی تلاش داشته تا از فضای دوران بیداری اسلامی برای گسترش الگوی مبتنی بر نگاه متصلب خود از اسلام بهره گیرد.

گسترش جریان نوسلفی در عصر بیداری اسلامی آثار قابل توجهی بر تمام ابعاد زندگی در کشورهای اسلامی داشته است. مهم‌ترین اثر گسترش نوسلفی‌گری در عصر بیداری اسلامی تضعیف وجوه مختلف امنیت در این کشورها بوده است که می‌توان آثار این گسترش را در قالب تأثیرات آن بر امنیت انسانی مورد بررسی قرار داد.

۳. گسترش نوسلفی و امنیت انسانی در عصر بیداری اسلامی

با رشد فعالیت گروه‌های نوسلفی در کشورهای مختلف اسلامی از آغاز موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰، شاهد تغییرات جدی در متغیرهای امنیت انسانی در این کشورها هستیم. گرچه تغییر در شاخص‌های امنیت انسانی در این کشورها صرفاً به خاطر رشد فعالیت گروه‌های نوسلفی نبوده، با این وجود تغییرات (و عمدتاً تغییرات منفی شاخص‌های امنیت انسانی) در کشورهایی که گروه‌های نوسلفی در آن‌ها فعالیت داشته‌اند، قابل توجه و بسیار بیشتر از تغییرات در کشورهای اسلامی بوده که شاهد فعالیت گسترده این گروه‌ها نبوده‌اند. این مسأله را در مؤلفه‌های امنیت انسانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به رضایت فرد از درآمد ثابت خواه به واسطه اشتغال یا از طریق شبکه‌های ایمن اجتماعی مربوط می‌شود و در مقابل تهدیدات امنیت اقتصادی، به نبود شغل مولد، بی‌ثباتی شغلی و نبود شبکه‌های ایمنی با تأمین مالی بخش عمومی مربوط می‌گردد. گسترش نوسلفی‌گری و درگیری‌هایی که در کشورهای اسلامی بر اثر رشد این گروه‌ها ایجاد شده، امنیت اقتصادی این کشورها را به شکل جدی به خطر انداخته است. گزارش آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان نشان می‌دهد که اقتصاد سوریه به میزان ۸۴/۴ میلیارد دلار در طی دو سال اول از شروع درگیری‌ها در این کشور متضرر شد؛ و ۳۰ سال طول خواهد کشید تا اقتصاد به سطحی که در سال ۲۰۱۰ در آن جای داشت برسد. این گزارش بر پایه جدیدترین اطلاعات در دسترس درباره خسارت اقتصاد سوریه برآورد کرده است که این رقم فقط در خلال ۲ سال اول جنگ داخلی سوریه به اقتصاد این کشور وارد شده است و حدود ۲/۳ میلیون کارمند، یعنی نیمی از نیروهای کار، بیکار شده‌اند و بیش از نیمی از ساکنان این کشور در فقر بسر می‌برند (Walid, 2021: 8). جنگ داخلی در سوریه فجایع و ویرانی‌هایی را به بار آورده است که حداقل ۳۰ سال طول خواهد کشید تا اقتصاد این کشور به وضعیت عادی برگردد. صنعت نفت که یکی از بخش‌های اصلی درآمدی دولت سوریه بود نیز تقریباً از دست این دولت خارج شده است. درگیری‌ها در سوریه سبب شد که ۹۰ درصد منابع نفتی و گازی در این کشور از دسترس دولت سوریه خارج شود و اداره این منابع به دست داعش و گروه‌های کردی سوریه افتاد. تولید نفت توسط دولت سوریه که پیش از شروع

ناآرامی‌ها ۳۴۰ هزار بشکه در روز بود که این رقم پس از رشد جریان‌های تکفیری در سوریه به ۱۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد (Tokmajyan, 2021: 5).

در عراق نیز وضعیت امنیت اقتصادی پس از ورود داعش به این کشور به شکل جدی به خطر افتاد. نیویورک تایمز در گزارش خود اشاره دارد که وضعیت اقتصادی کردها در شمال بسیار بدتر از حکومت مرکزی در بغداد بود، به گونه‌ای که کارمندان دولت و نیروهای مبارز پیشمرگ که در حال جنگ با داعش بودند چندین ماه حقوق‌های خود را دریافت نکردند. این مساله سبب شد تا اعتصاب‌ها سراسر کردستان را فرا بگیرد و حتی کار به خشونت کشیده شود. این در حالی بود که جنگ با داعش هزینه‌های سنگینی را بر دوش دولت‌های بغداد و کردستان گذاشت. کاهش قیمت نفت که سبب شد قیمت‌ها به پایین‌ترین حد در هر بشکه ظرف ۱۲ سال قبل خود برسد، مزید بر علت شد و بر مشکلات اقتصادی کشور به شدت افزود. عراق به شدت متکی به درآمدهای نفتی است به گونه‌ای که ۹۰ درصد بودجه کشور وابسته به نفت است. نزدیک به ۸ میلیون نفر در عراق با تکیه بر حقوق یا درآمدهای دولتی زندگی می‌کنند و با کسری بودجه دولت و نبود درآمدهای کافی وضعیت معیشتی این افراد به شدت آسیب دید. (Clausen, 2021: 3). این بحران اقتصادی ریشه اصلی آشوب‌ها و ناآرامی‌هایی بوده که طی ۴ سال اخیر با آن درگیر بوده است و نمونه اخیر آن در سال ۲۰۲۲ به وقوع پیوست.

در لیبی نیز با گسترش حضور گروه‌های نوسلفی و به‌ویژه داعش، اقتصاد این کشور در آستانه فروپاشی کامل قرار گرفت که این انشقاق تاکنون ادامه داشته است. میزان تولید نفت به‌عنوان منبع اصلی درآمد این کشور تحت تأثیر خشونت گسترده و حملات همه‌جانبه گروه‌های تروریستی به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که طرح‌های سرمایه‌گذاری در این کشور متوقف شده و خدمات دولتی رو به کاهش گذاشته است همچنان که شهرهای بزرگ لیبی روزانه شاهد ساعت‌ها قطع برق هستند. لیبی علاوه بر این مشکلات، باید به پرداخت بدهی‌های خارجی خود از جمله بدهی‌های مربوط به اجرای پروژه‌های زیرساختی بپردازد که با شرکت‌های داخلی و خارجی بر سر آنها توافق کرده است. این تعهد مالی بیش از یکصد میلیارد دینار (حدود ۷۳ میلیارد دلار) است و حتی در صورت توقف پروژه‌ها به علت خشونت‌ها در لیبی باید پرداخت شود (Tokmajyan, 2021: 5).

۲-۳. امنیت سلامت:

امنیت سلامتی به فقدان بیماری‌ها و دسترسی افراد به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد و در این راستا در اختیار داشتن امکانات و زیرساخت‌های بهداشتی ضروری است. بخشی از امنیت سلامت نیز به امنیت تغذیه بازمی‌گردد. امنیت غذایی بدین معناست که همه مردم در همه زمان‌ها دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع غذایی داشته باشند.

حضور مستقیم و درگیری‌های گروه‌های نوسلفی باعث شد تا دسترسی مستقیم و راحت مردم به امکانات بهداشتی و درمانی در بسیاری از کشورهای اسلامی با مشکل جدی مواجه گردد. همچنین در درگیری‌هایی که این گروه‌ها عمدتاً با دولت‌های مستقر ایجاد نمودند بسیاری از زیرساخت‌های اساسی بهداشتی نظیر دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بیمارستان‌ها را از بین برده و یا دچار خسارت اساسی بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در مورد سوریه، در پی درگیری‌های نوسلفی در این کشور از سال ۲۰۱۱ تا کنون میلیاردها دلار به زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی این کشور خسارت وارد شده است و بیش از ۶۰ درصد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های این کشور به شکل کلی از بین رفته‌اند؛ و میزان ابتلا به انواع بیماری‌ها در این کشور به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. براساس این گزارش به دلیل از بین رفتن سیستم‌های انتقال آب، بسیاری از مناطق به آب سالم دسترسی نداشته‌اند که این باعث ایجاد انواع مختلف بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های گوارشی و عفونی شده است. همچنین با از بین رفتن زیرساخت‌های پیشگیری و درمان میزان شیوع بسیاری از بیماری‌ها افزایش یافته است. اصلی‌ترین بیماری‌هایی که در شیوع آنها افزایش وجود دارد بیماری هپاتیت A است که احتمال خطرات بالایی دارد. در سال ۲۰۱۴ در سوریه، ۳۱ هزار و ۴۶۰ مورد هپاتیت A در سوریه ثبت شد که این وضعیت را به حالت هشدار رساند. در این گزارش علت اصلی برای این شیوع، از بین رفتن امکانات بهداشتی در نظر گرفته شده است (Walid, 2021: 11).

در لیبی ناامنی ناشی از حضور نوسلفی‌ها خدمات بهداشتی را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. براساس اعلام وزیر بهداشت لیبی، کودکانی که در کشور متولد می‌شوند، هیچ واکسنی دریافت نمی‌کنند، حتی مادران به خاطر نبود امکانات پزشکی و ناامنی ناگزیر در منزل خود وضع حمل می‌کنند. بنابراین گزارش، ۷۰ درصد بیمارستان‌ها از بیم و هراس ناامنی در لیبی تعطیل شده‌اند و یا قادر به ارائه خدمات مناسب نیستند. سازمان جهانی بهداشت در پایان سال ۲۰۱۵ میلادی اعلام کرد از مجموع شش میلیون نفر جمعیت لیبی، تقریباً نیمی از آن‌ها به علت جنگ‌های داخلی پس از سرنگونی معمر قذافی دیکتاتور سابق لیبی به کمک‌های انسان دوستانه نیاز دارند (UN, 2022: 9).

همچنین مهاجرت گسترده ناشی از حملات گروه‌های نوسلنی باعث به خطر افتادن جدی امنیت سلامتی مهاجران به مناطق مختلف به ویژه ترکیه و سوریه شده است. عمده این مهاجرت‌ها به اروپا بوده است که سیاست تبعیض‌آمیز و امنیتی را علیه مسلمانان به دنبال داشته است (محمدنیا و علیپور گرجی، ۱۴۰۰: ۱۵۴-۱۵۵). درگیری‌های ناشی از حضور نوسلنی‌ها در سوریه تا کنون منجر به مهاجرت ۵ میلیون سوری به خارج از کشور شده است و ده میلیون سوری نیز در داخل این کشور آواره شده‌اند؛ این در حالی است که جمعیت سوریه پیش از شروع ناآرامی ۲۳ میلیون نفر بود. این افراد در کشورهای مقصد با مشکلات جدی بهداشتی و جانی مواجه می‌شوند. مرگ هزاران نفر از مردمانی که در راه مهاجرت به کشورهای دیگر (از هراس گروه‌های نوسلنی) جان خود را از دست می‌دهند در قالب همین بعد از امنیت انسانی قابل ارزیابی است (Clausen 2021: 7).

۳-۳. امنیت فردی:

امنیت فردی به فقدان جرم و خشونت به ویژه خشونت علیه زنان و کودکان که آسیب‌پذیرند معطوف است. حضور گروه‌های نوسلنی امنیت زنان و کودکان در جوامع اسلامی را به مخاطره انداخته و سبب محرومیت آنها از بسیاری از حقوق خود شده است. در افغانستان، سیاست جنسیتی طالبان سبب محرومیت زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی خود شده است. سیاست طالبان در قبال زنان متأثر از گفتمان نوسلنی‌گری است که با حضور زنان در اجتماع مخالفت ورزیده و آن را عامل تباهی و فساد می‌داند. گفتمان طالبانیسم بر مبنای آموزه‌های نوسلنی‌گرایانه و سنت قبیله‌ای زندگی زن در کنج خانه و به دور از اجتماع را مورد تأکید قرار می‌داد. این سیاست سبب شده تا بسیاری از زنان که به درآمد حاصل از کار نیازمند بودند از تأمین مالی خود محروم شود و به قشر متکدیان و نیازمندان در افغانستان اضافه شوند.

در مناطق تحت تسلط داعش در عراق و سوریه، وضعیت زنان ساکن بسیار رقت‌بار بود. براساس گزارش نماینده سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت زنان در مخاصمات سوریه و عراق، سلامت و حیات زنان و دختران در این کشورها در معرض خطر و تهدیدات جدی قرار داشت. نکته حائز اهمیت آن است که نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد ارتکاب خشونت جنسی در وضعیت مخاصمات مسلحانه چندی پیش سفری به کشورهای سوریه و عراق داشته و از نزدیک شاهد وضعیت زنان و دختران در این کشورها بود (Clausen 2021: 6).

در گزارش نماینده ویژه دبیرکل در مورد مقابله با خشونت جنسی در وضعیت مخاصمات مسلحانه نوسلفی، برخی از اشکال خشونت جنسی علیه زنان از جمله ازدواج اجباری و نقض حقوق بشر زنان تحت عناوینی مانند جهاد نکاح و مواردی از این دست مورد اشاره قرار گرفته است. براساس این گزارش، ارتکاب اشکال مختلف خشونت جنسی علیه زنان و دختران توسط نیروهای داعش در کشورهای بی نظیر سوریه و عراق، امری انکارناپذیر و به عنوان یکی از معضلات معاصر جدی زنان در این کشورها قلمداد می‌شود؛ اما نکته حائز اهمیت در این میان آن است که می‌بایست میان ارتکاب خشونت جنسی نظیر ارتکاب تجاوز به عنف و شکنجه و اعمال خشونت علیه زنان و دختران دربند و اسیر داعش و نیز ارتکاب اشکال مختلف خشونت علیه زنان و دختران تحت عناوینی نظیر جهاد نکاح و مواردی از این قبیل، تفکیک گذارد؛ و این تفکیک از آن جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد که در مورد اخیر، خود زنان و دختران داعشی نیز نقش مؤثر و فعالی در دامن زدن و ارتکاب یافتن خشونت‌های این‌چنینی داشتند (Chattu, 2019: 281).

گروه‌های نوسلفی در غرب آفریقا و به ویژه بوکوحرام نیز رفتاری مشابه با داعش داشته‌اند. بوکوحرام بیش از ۲۵۰ دانش آموز دبیرستان را در ۱۴ آوریل ۲۰۱۴ از یک روستای دورافتاده در شمال شرقی نیجریه ربود؛ و تهدید نمود که آنها را به عنوان برده خواهد فروخت. رهبر این گروه پس از ربودن دختران دانش آموز از مدرسه شبانه‌روزی، در یک پیام ویدئویی ظاهر شد و با پذیرش مسئولیت آن اعلام کرد که این دختران را به عنوان برده خواهد فروخت و یا به زور به ازدواج مردان در خواهد آورد. وی همچنین در این ویدئو گفت که خودش با دو تن از این دختران، یکی ۹ ساله و دیگری ۱۲ ساله ازدواج خواهد نمود. همچنین براساس برخی گزارش‌ها برخی از این دختران به قیمت حدود ۱۲ دلار در کشورهای همسایه فروخته شدند (Brechenmacher, 2019: 49).

بخشی از این امنیت فردی نیز به دارا بودن حق سوادآموزی و کسب علم و دانش بازمی‌گردد. عقل‌گریزی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های نوسلفی‌گری باعث شده تا دید بدبینانه‌ای نسبت به علوم عقلی و تجربی در میان آنها شکل گیرد که مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی سلفی‌گرایی و نوسلفی‌ها است. براساس این اصل معرفت‌شناسی، مراجعه مستقیم به نصوص دینی و سنت با معیار فهم سلف، مهم‌ترین راهکار سلفی‌ها برای دستیابی به حقیقت دینی است. به نظر آنها، کاربرد عقل در فهم و استنباط احکام الهی، موضوعیت ندارد و نقل در حیات انسانی کفایت می‌کند. در نزد سلفی‌ها، نقل‌گرایی آنچنان دارای اهمیت است که میزان تدین و خلوص ایمان افراد با معیار

نقل‌گرایی سنجیده می‌شود. به زعم آنها، عقل در شئون دینی فاقد صلاحیت است. به عقیده سلفی‌های جدید، عقل در معرض خطا و در معرض اشتباه بسیار قرار دارد (سیدنزاد، ۱۳۹۴: ۱۳۹). براساس این مبنا، شاهد نوعی مخالفت جدی گروه‌های نوسلفی با علم‌آموزی و سوادآموزی هستیم. بوکوحرام در لغت به معنای «آموزش (غربی) حرام است» می‌باشد (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۲). برگزیدن این نام تا حد زیادی بازنمایی تفکر این گروه و بسیاری از گروه‌های سلفی جدید در مخالفت با دانش جدید است. این تفکر قصد دارد با پیوند زدن آموزش با نفوذ تمدن غربی، اساساً علم‌آموزی و کسب دانش را به عنوان پدیده‌ای منفی تبدیل نماید. نتیجه این فرآیند خروج (یا حداقل عقب افتادن) جوامع اسلامی از قافله علم جهانی است که آثار مخربی در آینده این جوامع خواهد داشت. پیامد دیگر این مسئله حذف فضای مناسب برای نخبگان فکری در جوامع اسلامی است تا توانایی علم خود را به عرصه حضور رسانند (Tirmizi, 2021: 28).

بعد دیگر عملی این عقل‌ستیزی و علم‌گزیزی، رویکرد منفی این گروه‌ها در مقابل آثار باستانی و تاریخی است. در سوریه، داعش با تصرف شهر تاریخی پالمیرا که دارای سابقه تاریخی بیش از ۲۰۰۰ سال و جزء میراث جهانی بود را نابود ساخت. در ابتدا مجسمه مشهور شیر آتن که در ورودی باستانی پالمیرا (تدمر) قرار داشت توسط داعش تخریب شد. همچنین این گروه نوسلفی دو معبد باستانی «بعل شمین» و «بل» در شهر باستانی پالمیرا را ویران کرد. علاوه بر این داعش با بلدوزر، پتک و حتی مواد منفجره به جان اماکن باستانی شهر موصل افتاد. یکی از این اماکن، شهر تاریخی نمرود بود که داعش بطور کامل آنرا از بین برد (Walid, 2021: 5).

۳-۴. امنیت سیاسی:

یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت و توسعه انسانی آن است که مردم در جامعه‌ای زندگی کنند که به حقوق انسانی ایشان احترام گذارده شود و حق انتخاب و مشارکت سیاسی آن‌ها در تعیین سیاست‌های عمومی وابسته به سرنوشت شخصی‌شان به رسمیت شناخته شده و افراد از سرکوب و خشونت در امان باشند. نهایت امنیت سیاسی و فیزیکی نیز به مقابله با خشونت علیه حقوق انسانی مربوط می‌شود که براساس آن انسان‌ها حداقل از بروز خشونت‌های مستقیم دور باشند.

ترور و ارباب از مهمترین شیوه‌های جریان نوسلفی در کشورهای اسلامی به شمار می‌آید. این اقدامات علاوه بر از بین بردن امکانات مادی و زیربنایی این کشورها عملاً تهدید اصلی جانی برای عمده مسلمانان است. از زمان حضور مستقیم و گسترده گروه‌های نوسلفی در عراق، سوریه،

سومالی، لیبی و نیجریه تاکنون جان صدها هزار مسلمان گرفته شده است. بر اساس گزارش مؤسسه اقتصاد و صلح، بیشترین حملات تروریستی در سطح جهانی در پنج کشور افغانستان، عراق، نیجریه، پاکستان و سوریه انجام شده و ۷۸ درصد کل مرگ و میرهای ناشی از تروریسم در این کشورها بوده است. این آمار نشان می‌دهد که کشورهایی که به شکل مستقیم با پدیده حضور گروه‌های نوسلفی مواجه هستند به شکل جدی امنیت سیاسی آنها دچار خدشه شده است (Brechenmacher, 2019: 47).

در بین جوامع اسلامی، درگیری‌های مسلحانه گروه‌های نوسلفی در سوریه وضعیت بدی را در بعد امنیتی ایجاد نمود (نادری و دیگران: ۱۳۹۶: ۱۵). بر اساس اعلام دیدبان حقوق بشر سوریه در جریان پنج سال درگیری خونین در این کشور بیش از ۲۶۰ هزار تن جان خود را از دست دادند. این مرکز اعلام کرد که تعداد قربانیان درگیری‌های سوریه از زمان آغاز این درگیری‌ها در مارس ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ از ۲۶۰ هزار تن عبور کرد. همچنین کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل اعلام کرد که درگیری‌های گروه‌های تکفیری در سوریه تا ۲۰۱۸ موجب آواره شدن بیش از ۱۱ میلیون سوری در داخل و خارج از این کشور شد (Belloni and Costantini, 2019: 511).

همچنین براساس، گزارش روزنامه گاردین بیش از ۱/۹ میلیون نفر یعنی حدود ۱۱ درصد از مردم سوریه نیز از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ در درگیری‌های مختلف زخمی شده‌اند؛ و سن امید به زندگی در سوریه از ۷۰ سال در سال ۲۰۱۱ به ۵۵ سال در سال ۲۰۱۵ رسید که یکی از سریع‌ترین نرخ‌های کاهش در دهه‌های اخیر بود. همچنین نرخ مرگ و میر از ۴/۴ درصد در سال ۲۰۱۰ به رقم حیرت‌انگیز ۱۰/۹ درصد در سال ۲۰۱۵ رسید که نشان از میزان بالای مرگ و میر در این کشور و شمار بالای کشته شدگان درگیری‌های نوسلفی در سوریه بود. بسیاری از افرادی نیز که موفق به فرار از دست گروه‌های تکفیری و خروج از کشور می‌شدند نیز سرنوشتی دردناک داشتند. بسیاری از این افراد در چنگال قاچاقچیان انسان گرفتار شدند و تعداد زیادی نیز در مسیر جان خود را از دست دادند (Tirmizi, 2021: 44-49).

در گزارش سازمان ملل آمده است که تعداد کودکان غرق شده در دریای مدیترانه رو به افزایش است. صندوق کودکان ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و سازمان بین‌المللی مهاجرت که به طور مشترک این گزارش را تهیه کرده‌اند هشدار دادند از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ بیش از ۳۴۰ کودک که بیشتر آنان خردسال و نوزاد بودند در دریای مدیترانه جان خود را از دست دادند. همچنین تعداد این کودکان غرق شده ممکن است بیش از آمار فوق باشد

چرا که اجساد برخی از آنان در دریا ناپدید شده است. دریای اژه در منطقه‌ای بین دو کشور ترکیه و یونان، مرگبارترین مسیر ارتباطی در جهان برای مهاجران و پناهجویان به حساب می‌آید. وضعیت جوی نامناسب، کیفیت پایین قایق‌ها، عدم توجه به ظرفیت قایق‌ها و نبود تجهیزات ایمنی کافی، خطر واژگونی قایق را افزایش می‌دهد و این سفر را مخاطره‌آمیز می‌کند. به گزارش سایت اطلاع رسانی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، در سال ۲۰۱۶ کودکان ۳۶ درصد از افرادی را شامل می‌شوند که با خانواده‌هایشان مهاجرت می‌کنند و به همین دلیل احتمال غرق شدن آنان حین عبور از دریای اژه به نسبت افزایش می‌یابد. در شش هفته نخست سال ۲۰۱۶ میلادی از ۸۰ هزار نفری که از شرق دریای مدیترانه عبور کردند ۴۱۰ نفر غرق شدند (Tokmajyan, 2021: 4).

در نیجریه نیز حملات گروه نوسلفی بوکوحرام جان تعداد زیادی از مردم نیجریه و به‌ویژه مسلمانان را گرفته است. مؤسسه اقتصاد و صلح در تحقیق خود در سال ۲۰۱۶ از آمار و ارقام مربوط به تلفات اقدامات تروریستی در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد. مؤسسه اقتصاد و صلح در تازه‌ترین تحقیق خود اعلام کرد شاخص جهانی تروریسم نشان می‌دهد که طی سال ۲۰۱۴ میلادی بیش از ۳۲۶۵۸ نفر در سراسر جهان توسط تروریست‌ها کشته شدند که این رقم نسبت به سال قبل از آن بیش از ۸۰ درصد رشد داشت.

نکته قابل توجه اینکه، بوکوحرام و داعش دو گروه تروریستی تکفیری مسئول بیش از نیمی از مرگ و میرها در حملات تروریستی در سراسر جهان طی سال ۲۰۱۴ میلادی بودند (Belloni and Costantini, 2019: 511).

بعد دیگر به خطر افتادن امنیت سیاسی توسط گروه‌های نوسلفی در قالب به خطر انداختن مشارکت سیاسی در جوامع اسلامی و استمرار حضور نظام‌های سیاسی استبدادی در این کشورها است. جریان‌های سلفی جدید به دو شکل به استمرار و روی کار آمدن نظام‌های استبدادی در کشورهای اسلامی کمک نموده‌اند. نخست، جریان‌های نوسلفی با توجه به جنبه سلبی و نفی نظم و نظام مستقر، نظریه‌ای منسجم در باب گزینه بدیل حکومتی ندارند و عمده خواست آن‌ها احیای شکل خاصی از خلافت اسلامی است. حکومتی که همه مظاهر توجه به مردم، آزادی، مشارکت و حضور احزاب در آن رد شده است. این امر موجب شده که کشورهای اسلامی از سویی گرفتار نوعی هرج و مرج و بی‌نظمی پایان‌ناپذیر شوند و دورنمایی از نظام سیاسی نیز که برای آنان ترسیم می‌شود همراه با نوعی نظام استبدادی و خشن باشد. آشکار است که حکومتی که بر پایه چنین باورهایی شکل گیرد به حکومتی کل‌گرا و توتالیتر تبدیل می‌شود. آثار نوسلفی‌ها و سازمان‌های

وابسته به آنها و همچنین عمل و رفتارشان، آشکارا نشان می‌دهد که آنها هرگونه آزادی و مشارکتی را رد می‌کنند که عمده دلیل آنها این است که قوانین امروزی کشورهای اسلامی برگرفته از کافران است و از این رو با شیوه‌های حکومتی مردم‌سالار و حزبی مخالفت می‌ورزند. برآیند طبیعی این گونه برداشت‌ها عمدتاً تجویز نظام‌های خودکامه است (سیدباقری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۶۲).

دوم آنکه در این اوضاع، دولت‌های استبدادی که امروزه در بخش عمده‌ای از کشورهای اسلامی حاکم هستند از فرصت گسترش سلفی‌گری جدید برای تداوم حکومت خود بهره می‌برند. خشونت‌گرایی گروه‌های نوسلفی و ایجاد ناامنی و فرقه‌گرایی گسترده، زمینه را برای تداوم نظام‌های تمامیت‌خواه و استبدادی فراهم آورده است. گسترش ناامنی‌ها باعث شده تا بسیاری از مسلمانان دست به نوعی معامله بزنند و در این جوامع زندگی در محیطی با امنیت حداقلی را با پذیرش حکومت‌های استبدادی معامله نمایند (سیدباقری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۶۳).

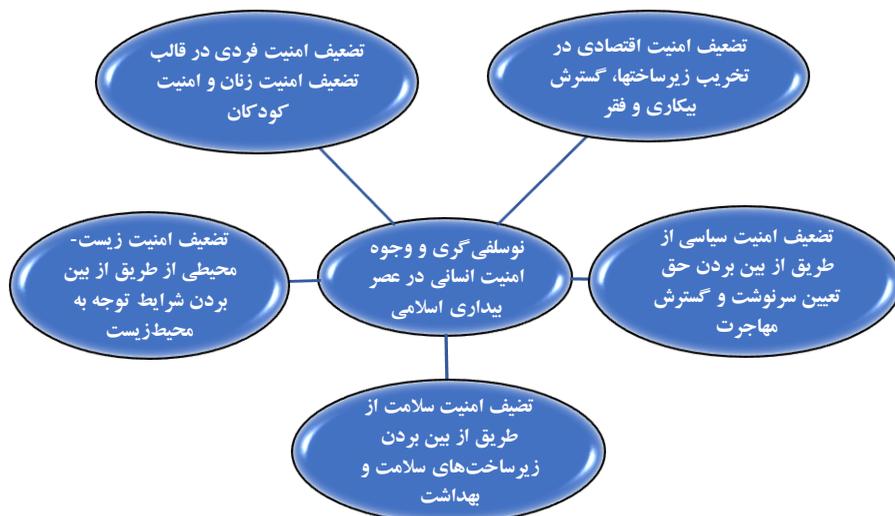
این موضوع یکی از عوامل اصلی کند شدن جریان رو به موج نوین بیداری اسلامی بوده است. گروه‌های نوسلفی با به خشونت کشیدن جریان‌های بیداری اسلامی در کشورهای مختلف کمک شایانی به حاکمان اقتدارگرای بسیاری از کشورهای اسلامی نموده‌اند تا مردم این کشورها متقاعد شوند حرکت‌های آزادی‌طلبانه زمینه را برای گسترش جریان‌های خشونت‌گرای سلفی فراهم نموده و این کشورها اسیر چرخه باطل ناامنی و افراط خواهند شد.

۳-۵. امنیت زیست‌محیطی:

امنیت زیست‌محیطی به یکپارچگی زمین، هوا و آب و تداوم حیات انسانی در کره زمین تاکید دارد. مسئله زمین و تبدیل شدن زمین‌های جنگلی به زمین‌های کشاورزی یا بیابان، از جمله مشکلات و مسائل پیش‌روست. قطع بی‌رویه درختان باعث تشدید سرعت تبدیل جنگل‌ها به بیابان و پیدایش بیابان‌زایی شده است. مسئله آلودگی هوا نیز از جمله مسائلی است که بیش‌تر کشورهای صنعتی را درگیر نموده است؛ لکن شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه هم از جمله مشکلات محیط‌زیستی است.

حضور نیروهای نوسلفی در کشورهای اسلامی مشکلات زیست‌محیطی را به شکل جدی‌تر بغرنج‌تر ساخته است. حضور این گروه‌ها و جنگ مسلحانه آن‌ها باعث شده تا برنامه‌های زیست‌محیطی در این کشورها تا حد زیادی به بوته فراموشی سپرده شود و از اولویت اصلی و مهم این دولت‌ها خارج گردد. همچنین این گروه‌ها هیچ‌گونه عنایتی به موضوعات زیست‌محیطی نداشته‌اند

که آثار آن به شکل جدی در مناطق همجوار مشخص می‌گردد. برای نمونه پس از تسلط بر قسمت‌هایی از عراق، داعش اقدام به بستن رود فرات کرد که این اقدام سبب بر هم خوردن ساختار کشاورزی در مناطق مختلف عراق شد و این مناطق را به محیطی مستعد برای گسترش ریزگردها مبدل ساخت که آثار جدی زیست‌محیطی آن بر عراق و حتی مناطق جنوبی ایران کاملاً هویدا است.



نمودار ۱: نوسلفی‌گری و وجوه امنیت انسانی در عصر بیداری اسلامی

نتیجه‌گیری

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است. این گرایش، تمرکز عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشت؛ لیکن این نگاه از دهه ۱۹۸۰ دچار تغییرات جدی شد. از این زمان دیدگاه‌هایی که نگاه موسع‌تر به مفهوم امنیت انسانی داشتند اهمیت بیشتری داشتند و نگاه متکثر به مفهوم امنیت مورد توجه اندیشمندان حوزه مطالعات امنیتی قرار گرفت که یکی از مهمترین نمونه‌های این نوع برداشت از امنیت در «امنیت انسانی» تجلی یافت. این نگاه متکثرتر به مفهوم امنیت در قالب امنیت انسانی قدرت تبیینی بیشتری در ارزیابی تأثیر حضور گروه‌های نوسلفی در جغرافیای دنیای اسلام می‌تواند داشته باشد.

شواهد بیانگر آن است که رابطه‌ای مستقیم بین تقویت حضور گروه‌های نوسلفی در کشورهای اسلامی با تضعیف سطوح مختلف امنیت انسانی وجود دارد. براین اساس، جوامع اسلامی نظیر سوریه، لیبی، عراق و افغانستان که بیشترین فعالیت گروه‌های نوسلفی در آنها بوده افت بیشتری

در رتبه‌بندی امنیت انسانی داشته‌اند. حضور و فعالیت این گروه‌ها دولت‌های اسلامی را درگیر چرخه ناکام‌سازی و تضعیف سطح امنیت انسانی ساخته است. گسترش فعالیت گروه‌های نوسلفی باعث تبدیل دولت‌های اسلامی به دولت‌های ناکام شده و این مسئله سطوح امنیت انسانی در این کشورها را کاهش می‌دهد و در همین حال و به شکل متقابل تضعیف سطوح امنیت انسانی روند ناکام‌سازی این دولت‌ها را تسریع بخشیده است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد نوعی همپوندی بین سطوح مختلف امنیت انسانی در این جوامع وجود دارد که در مراتب چندگانه به تضعیف امنیت انسانی کمک می‌کند. این بدان است که تقویت حضور گروه‌هایی نوسلفی به شکل نظام‌مند تمام وجوه امنیت انسانی در کشورهای اسلامی را تضعیف نموده و تضعیف یک وجه به قوام‌بخشی تضعیف سایر سطوح کمک کرده است. این حضور در ابتدا وجوه امنیت فردی و سیاسی را مخدوش کرده و سپس امنیت اقتصادی و سلامت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرگذاری بر امنیت سلامت معمولاً با مقداری تأخیر همراه بوده اما معمولاً مخاطرات میانمدت و بلندمدت جدی را برای کشورهای اسلامی ایجاد می‌نماید.

فهرست منابع

۱. پورحسین، ناصر و عبدالمجید سیفی (۱۳۹۴). گسترش نوسلفیسم و تأثیر آن بر اتحاد جهان اسلام، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱۳ (۵۲)، صص ۷-۳۴.
۲. سیدباقری، سیدکاظم؛ حسینی، محمّد؛ ملاشفیعی، بتول (۱۳۹۳). آثار سیاسی و اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مبارزه با مخاطرات جریان‌های تکفیری، ج ۶، صص ۳۰۷-۳۲۳.
۳. سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳ (۱)، صص ۹۵-۱۲۲.
۴. محمدنیا، مهدی و محمود علیپور گرجی (۱۴۰۰). خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۴)، صص ۱۴۱-۱۶۷.
۵. مرادپور دهنوی، امیر حسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۹ (۱۸)، صص ۸۷-۱۰۶.
۶. نادری، احمد؛ طاقتی، علیرضا؛ منجی، محسن (۱۳۹۶). بررسی گفتمان فرقه‌گرایی داعش در سوریه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۶ (۱)، صص ۸-۲۳.

7. Bayat, A. (2013). *Post-Islamism: The Changing Faces of Political Islam*. Oxford University Press
8. Belloni, R. and Costantini, I. (2019). From liberal statebuilding to counterinsurgency and stabilization: the international intervention in Iraq. *Ethnopolitics* 18(5): 509–525.
9. Brechenmacher, S. (2019). *Stabilizing Northeast Nigeria after Boko Haram*, Washington: Carnegie Endowment for International Peace.
10. Chattu, A. & Reddy, O. (2019). Global health diplomacy fingerprints on human security. *Int J Ment Health Syst*.10 (21). doi: 10.4103/ijpvm.IJPVM_11_19.
11. Clausen, M. (2021). Providing security in Iraq – what do Iraqis think? DIIS Policy Brief.
12. Gasper, D. (2005). Securing Humanity: Situating Human Security as Concept and Discourse, *Journal of Human Development*, 6(22), pp. 221 – 245.
13. Hayes, K., Blashki, G., Wiseman, J. (2018). Climate change and mental health: risks, impacts and priority actions. *Int J Ment Health Syst*, 12 (28), <https://doi.org/10.1186/s13033-018-0210-6>
14. Peoples, C. and Vaughan-Williams, N. (2010). *Critical Security Studies: An Introduction*, London: Routledge.
15. Rob B. (2020). *Managing Famine Risk: Linking Early Warning to Early Action*, London: Chatham House.
16. Tirmizi, A. (2021). *Runaway Women in Post-Taliban Afghanistan*, Stanford: Stanford University Press.
17. Tokmajyan, Armenak (2020). How Southern Syria Has Been transformed Into a Regional Powder Keg, Carnegie Middle East Center, 14 July, <https://carnegie-mec.org/2020/07/14/how-southern-syria-has-been-transformed-into-regional-powder-keg-pub-82202>, accessed 19 April 2021.
18. Walid, N. (2021). *Will the Security Crisis in Southern Syria Spark a New Revolution*, London: Chatham House.
19. Vivekananda, J. Wall, M., Sylvestre, F. and Nagarajan, C. (2019). *Shoring up Stability*, Berlin: Adelphi.